



Criticism of Orientalists' Suspicions about Violence in the Verses of Jihad*

Hossein Alavimehr¹

Abstract

Jihad is one of the branches of religion that became obligatory in Madinah and the Holy Quran recommended Muslims to it. Orientalists have introduced the book of violence and the religion of Islam as the religion of the sword without paying attention and analyzing the nature, philosophy and works of the Quran. The main problem of the research is that what are the appropriate answers to the doubt of some orientalists (including Revan Firestone, Bernard Lewis, Rizway Pfizer, Theodore Noldeke, etc.) regarding the existence of violence in the context of Jihad in Islam? The method of this research is analytical-descriptive and critical. The research aims to provide appropriate answers to the above question, taking into account the goals of the Islamic religion and Quranic concepts. The important findings of the research are reported as follows. The objectives of Islam are based on peace and tranquility, and numerous verses indicate the call for peace and peaceful coexistence with other religions, as well as divine-wide mercy. Historical examples such as the 13-year presence of Muslims in Mecca, as well as the peace of Hudaibiyah and the conquest of Mecca, are evidence of the claim that war and jihad in the era of the Prophet of Islam (PBUH) had all defensive aspects, and also the effects of time and place in the rulings of jihad prove peace-oriented in the field of Jihad.

Keywords: Jihad and Orientalists, Quran and Jihad, Suspicion of Violence and Jihad, Peace.

*. **Date of receiving:** 21 January 2022 ; **Date of correction:** 21 March 2022; **Date of approval:** 22 May 2022.

1. Associate Professor and Faculty Member of Al-Mustafa International Univeristy, Qom halavimehr5@gmail.com.



نقد شبهه مستشرقان در مورد خشونت در آیات جهاد*

حسین علوی مهر^۱

چکیده

جهاد یکی از فروع دین است که در مدینه واجب شده و قرآن کریم مسلمانان را بر آن توصیه کرده است. مستشرقان بدون توجه و تحلیل ماهیت و فلسفه و آثار آن قرآن را به همین علت کتاب خشونت و دین اسلام را دین شمشیر معرفی کرده‌اند. مسئله اصلی پژوهش این است که پاسخ‌های مناسب به شبهه بعضی مستشرقان (از جمله رنون فایرستون، برنارد لوئیس، ریزوی فایزر، تنودور نولدکه و...)، مبنی بر وجود خشونت در باب جهاد در اسلام چیست؟ روش این تحقیق، تحلیلی - توصیفی و انتقادی است. هدف پژوهش، ارائه پاسخ‌های مناسب به شبهه فوق، با توجه به اهداف دین اسلام و مفاهیم قرآنی است. یافته‌های مهم پژوهش چنین گزارش می‌شود. مقاصد دین اسلام بر اساس صلح و آرامش است و آیات متعددی بر دعوت به صلح و نیز همزیستی مسالمت‌آمیز با ادیان دیگر و همچنین رحمت گسترده الهی دلالت دارد. نمونه‌های تاریخی همچون حضور سیزده ساله مسلمانان در مکه و همچنین صلح حدیبیه و فتح مکه شاهی بر مدعاست نیز جنگ و جهاد در عصر پیامبر اسلام ﷺ همه جنبه دفاعی داشته است و همچنین، انواع تأثیر عنصر زمان و مکان در احکام جهاد نیز، صلح محوری را در حوزه جهاد، به اثبات می‌رساند.

واژگان کلیدی: جهاد و مستشرقان، قرآن و جهاد، شبهه خشونت‌طلبی و جهاد، صلح.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعة المصطفی ص العالمية، قم: (halavimehr5@gmail.com).



مقدمه

وجود جنگ و رویارویی انسان‌ها در مقابل یکدیگر از ابتدای گام نهادن بشر به روی این کره خاکی رخ می‌نماید و ماجرای قتل هایبل توسط قایل: «فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (مانده/۳۰)؛ «نفس سرکش، کم‌کم او را به کشتن برادرش ترغیب کرد؛ (سرانجام) او را کشت؛ و از زیانکاران شد». به‌عنوان اولین رخداد در این زمینه به‌شمار می‌آید که در گذر زمان به شکل گسترده‌تر و پیچیده‌تر مطرح می‌شود. در طول تاریخ افرادی درصدد مقابله با پیامبران و اهداف و عقاید آنها بوده‌اند، به همین جهت عده‌ای از مؤمنین خالص حاضر شده‌اند در راه دفاع از دین و حق بهره‌وری از آن، از جان خود مایه بگذارند و این ماجرا زمانی به درجه نهایی خود می‌رسد که عالی‌ترین ادیان همراه با کامل‌ترین تعالیم، در صحنه زندگی مردم ظاهر می‌شود، پس جنگ‌های متعددی به وجود می‌آید و پیامبر گرامی اسلام ﷺ خودشان در بیست و هفت جنگ حضور می‌یابند.

مخالفان اسلام به‌ویژه مستشرقان، موضوع جهاد در اسلام را به‌گونه‌ای مطرح کرده‌اند که اسلام با شمشیر به راه خود ادامه می‌دهد و بر اساس آیات فراوانی که در باب جهاد و قتال وجود دارد، آن را بهانه خشونت‌طلبی قرآن و اسلام قرار داده و اسلام را دین شمشیر خوانده‌اند. میزان فراوانی آن می‌توان گفت «کثرت آیات جهاد به حدی است که نزدیک نصف قرآن مدنی را در بر می‌گیرد». (دروزه، التفسیر الحدیث، ۱۳۷۴: ۲/۲۷۳).

با تفحصی که صورت گرفت، درباره پیشینه این تحقیق، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: پایان‌نامه «پاسخ به شبهات مستشرقان پیرامون فرهنگ جهاد و دفاع در قرآن»، نوشته کریم امیری؛ مقاله حسین عبدالمحمدی با عنوان «نقد دیدگاه مستشرقان درباره جنگ‌های پیامبر اعظم ﷺ» که در مجله شماره سیزدهم قرآن پژوهی خاورشناسان به چاپ رسید. همچنین مقاله «نقد آرای مستشرقان پیرامون آیات جهاد»، نوشته آقای سعید نمازی‌زادگان، شماره صد و سوم مجلات مشکات؛ مقاله «نقد و بررسی مقاله «جهاد» از دائرةالمعارف قرآن لیدن» از دکتر احمد مرادخانی، در مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، ش هشتم و مقاله «شبهات المستشرقین حول الجهاد و القتال فی الاسلام و اجوبتها القرآنیة» از کاظم قاضی‌زاده و همکاران، مجله العلوم الانسانیة و الدولیة، ش ۱۶.

در عصر حاضر که جهان در آتش جنگ و آتش افروزی گروه‌هایی همچون وهابیان و داعشی‌های جنایت‌کار شعله‌ور است و آنان به‌نام جهاد اسلامی در کشورهای اسلامی و غیر آن، مرتکب قتل و غارت و ظلم و ستم‌های بی‌شمار و بی‌شرمانه می‌شوند، بهانه‌های بیشتری به دست مخالفان اسلام در

موضوع جهاد می دهند. با توجه به گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی، امروزه شبهه‌های فراوانی در اذهان مردم جهان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان پدید آمده که خواستار فهم تمییز مرزهای اسلام واقعی از اسلام تحریف یافته هستند. از مهم‌ترین آن شبهات «شبهه خشونت طلبی مسلمانان در قالب جهاد است» که ضرورت پاسخ به آن، دوچندان شده و در راستای دفاع از مرزهای عقیدتی رخ می‌نماید و لزوم پاسخ‌گویی را جلوه‌ای تازه می‌بخشد. پاسخ به شبهات مستشرقان از منابع متنوع، همچون توجه به عنصر زمان و مکان در منابع فقهی، از امتیازات این پژوهش است.

۱. شبهه: خشونت‌گرایی قرآن و اسلام

به اسلام نسبت داده می‌شود که دین شمشیر است، ایگناتس گلدزیهر (Goldziher Ignác) بر این باور است که: «در دین اسلام، جنگ و جهاد اصل و رابطه اصلی اسلام با جهان خارج را مشخص می‌کند و اسلام از آنجا که نتوانست خوی جنگ خویی اعراب را زایل سازد، از این وسیله برای سرکوب غیرمسلمانان استفاده کرده و اگر اسلام از صلح سخن به میان آورده، صرفاً برای رهیابی به هدف نهایی است که توسعه اسلام در جهان است و این در شرایطی است که جهاد کارساز نباشد و روابط بین‌الملل و دیپلماسی در جهاد اسلامی پدیده کاملاً بیگانه و ناآشناست». (گلدزیهر، العقیده و الشریعة فی الاسلام، ۱۹۴۶ م: ۲۷؛ خدوری، جنگ و صلح در قانون اسلام، ۱۳۸۸: ۲۸).

– ریزوی فایزر (Rizoy prizer) در دائرة المعارف قرآن لایدن می‌نویسد: محمد یکی از پیامبرانی است که به خاطر اعتقاداتش به نبرد پرداخته و اسلام و توحید در اثر مبارزات و جهادها توسعه یافته است. «مک دونالد» (McDonald's) می‌نویسد: «وظیفه دینی هر مسلمان این است که اسلام را با شمشیر و زور گسترش دهد». (طیاره، روح الدین الاسلامی، ۱۹۶۶ م: ۳۶۳).

– برنارد لوئیس (Bernard Lewis) در کتاب خود؛ خاورمیانه و مقاله خود با عنوان «the revolution of islam» بر این باور است که اسلام دین انقلاب، شورش و قیام است (زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۸۹: ۴۲۴؛ سعید، شرق‌شناسی، ۱۳۷۷: ۵۶۲).

– رژی بلاشر (Régis Blachère)، در تقسیم آیات به مکی و مدنی بر این باور است که پیامبر در آیات مدنی شبکه نظامی با یهود، مسیحیت و مشرکان ایجاد کرده است. همچنین ماسینیون نظری مشابه بلاشر ارائه می‌دهد (زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۸۹: ۴۳۶؛ سعید، شرق‌شناسی، ۱۳۷۷: ۴۷۷). همچنین هنری لامنس (Henri Lammens) و ماکسیم رودنسون (Maxime Rodinson) در تمام آیات مکی و مدنی مسأله جهاد و تأثیر آن را تعمیم می‌دهند که اسلام با شمشیر و حکم جهاد به پیروزی‌ها دست یافته است (همان: ۳۴۹ - ۳۵۰ و ۳۶۲).



- پی جی فاتیکیوتیس (P.j. Vatikiotis) معتقد است، جهاد و تفکر انقلابی با بهداشت روان انسان، ساختار عقلانی و زیست او در تعارض است (زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۸۹: ۴۲۳).

- الالاندا - تاسرون (Ella Landau-Tasserou) در مقاله جهاد در دایره المعارف لایدن نیز معتقد است آیات مربوط به جهاد دارای تناقض در محتوا هستند (مک‌اولیف، دایره المعارف قرآن لایدن: ۲/ ۲۸۰).

- لورانس د. براون (Lawrence D. Brown) و مشابه آن توماس آرنولد (Thomas Arnold) ضمن خطرناک دانستن اسلام، اسلام را تنها مانع و دیوار بزرگ در برابر استعمار اروپا می‌داند (زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۸۹: ۴۲۵ - ۴۲۹).

- روبرت بین (Robert Burns) معتقد است که اسلام به وسیله شمشیر پیروز شده است و به همین جهت کتاب (the sacred sword) شمشیر مقدس را تألیف کرد (زهرالدین، الاسلام و الاستشراق، ۱۴۱۳). ویلیام موئر معتقد است، با شمشیر محمد و قرآن سرسخت‌ترین دشمنان تمدن، آزادی و حقیقت‌اند (سعید، شرق‌شناسی، ۱۳۷۷: ۲۷۴).

جدول رویکرد مستشرقان درباره خشونت در آیات جهاد^۱

ردیف	نام مستشرق	دیدگاه	رویکرد
۱	ایگناتس گلدزیهر (Goldziher Ignác)	اسلام خوی جنگ و جهاد با جهان خارج از خود دارد.	اسلام‌ستیزی
۲	رئوون فایرستون (reuveu firestone)	در قرآن جنگیدن به منظور دفاع اجازه می‌دهد؛ اما جهاد عامل گسترش اسلام است.	تاریخی و یک‌جانبه‌گرایی
۳	دیوید کوک (David Cook)	موقفیت و گسترش اسلام مرهون جهاد است و مفهوم جهاد و خشونت جدا ناپذیر است.	تاریخی، خلط اصطلاح دینی (مفهوم جهاد و قتال)
۴	برنارد لوئیس (Bernard Lewis)	اسلام دین انقلاب، شورش و قیام است.	رویکرد زبان‌شناسی و سیاسی
۵	پی جی فاتیکیوتیس (P.j. Vatikiotis)	جهاد و تفکر انقلابی با بهداشت روان انسان، ساختار عقلانی و زیست در تضاد است.	رویکرد روان‌شناسی
۶	ریزوی فایزر (Rizoy prizer)	توسعه اسلام و توحید با مبارزات و جهاد انجام گرفته است.	رویکرد توصیفی - سیاسی
۷	رژی بلاشر (Régis Blachère)	اسلام بوسیله جهاد پیشرفت کرده است.	تاریخی و یک‌جانبه‌گرایی

۱. ر.ک: زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۸۹: ۱۸۰ - ۲۵۰؛ سعید، شرق‌شناسی، ۱۳۷۷: ۲۷۴؛ گلدزیهر، العقیده و الشریعة فی الاسلام؛ ۱۹۴۶ م، ۲۷؛ خدوری، جنگ و صلح در قانون اسلام، ۱۳۸۸، ۲۸.

ردیف	نام مستشرق	دیدگاه	رویکرد
۸	ماکسیم رودنسون (Maxime Rodinson)	اسلام با شمشیر و حکم جهاد و جهاد به پیروزی‌ها دست یافته است.	
۹	هنری لامنس (Henri Lammens)		
۱۰	ویلیام مونیه (Williams Monier)	شمشیر محمد و قرآن سرسخت‌ترین دشمنان تمدن، آزادی و حقیقت‌اند.	رویکرد تمدنی و یک‌جانبه‌گرایی
۱۲	لورانس د. براون (Lawrence D. Brown)	اسلام تنها مانع و دیوار بزرگ استعمار اروپا است.	یک‌جانبه‌گرایی و اسلام‌ستیزی
۱۳	جان اسپوزیتو (John Esposito)	در مذهب هندو و اسلام مردم موظف به جهاد شده‌اند	یک‌جانبه‌گرایی و تطبیقی بین ادیانی
۱۴	مک دونالد (McDonald's)	وظیفه هر مسلمان گسترش اسلام با شمشیر و زور است.	
۱۵	الاندا - تاسرون Ella Landau- (Tasseron)	آیات مربوط به جهاد دارای تناقض در محتوا است.	یک‌جانبه‌گرایی دینی
۱۶	لویی ماسینیون (Louis Massignon)	اندیشه اساسی اسلام جنگ در مقابل مسیحیت و یهودیت است.	یک‌جانبه‌گرایی دینی
۱۷	روبرت بین (Robert Burns)	اسلام دین شمشیر است و به وسیله شمشیر پیروز شده است.	تاریخی و اسلام‌ستیزی
۱۸	توماس آرنولد (Thomas Arnold)	اعتقاد به جهاد در اسلام خطری برای دنیاست.	یک‌جانبه‌گرایی و اسلام‌ستیزی
۱۹	پاپ بندیکت شانزدهم (Benedictus XVI)	ایمان باید با زور شمشیر گسترش یابد.	تاریخی، یک‌جانبه‌گرایی و اسلام‌ستیزی

به نظر نگارنده، آرای مستشرقان درباره جهاد را می‌توان در سه رویکرد ذیل خلاصه کرد:
 الف. بیشتر آنان مسئله جهاد را با رویکرد تاریخی آن چه اتفاق افتاده است و یا جنگ‌هایی که واقع شده است تحلیل کرده‌اند و به دیدگاه واقعی اسلام یا جایگاه صلح یا تحلیل آیات و قوانین مربوط به جهاد توجهی نکرده‌اند، از جمله آنان گلدزیهر، فایرستون، دیوید کوک، بلاشر، رودنسون، روبرت بین و پاپ بندیکت شانزدهم است.



ب: بسیاری از آنان تنها در اسلام جهاد را برجسته کرده‌اند به ابعاد دیگر اسلام و قوانین قرآن را توجهی نداشته‌اند. و یک‌جانبه‌گرایانه به موضوع جهاد پرداخته‌اند و تحلیلی ندارند، از جمله فایرستون، رودنسون، ویلیام مویر، لورانس براوان، جان اسپوزتیو، الالاندا - تاسرون، ماسینیون، و توماس آرنولد.
ج: رویکرد دیگری که یکی از اهداف مستشرقان می‌باشد اسلام‌ستیزی است، دین اسلام را دینی همراه با خشونت و خونریزی و کشتن انسان‌ها معرفی کرده‌اند تا مردم دنیا و دیگر ادیان به‌ویژه یهودیت و مسیحیت از اسلام دوری کنند از جمله گلدزیهر، لورانس براوان، روبرت بین، توماس آرنولد و پاپ شانزدهم.

۲. بررسی و پاسخ

برای نقد این اتهام که «اسلام دین خشونت و شمشیر است»، می‌توان با تکیه بر چند مبنای اساسی بدان پاسخ داد:

الف. مقاصد دین اسلام

مقاصد دین و پیامبر گرامی اسلام بر اساس صلح، آرامش، امنیت، آزادی انسان، برقراری قسط و عدل و رساندن وی به سعادت و تکامل است؛ اما با چنین مقاصدی همواره از آغاز مورد تهاجم دشمنان بوده و جنگ و جهاد که مطرح شده است، برای دفع چنین تهاجم‌هایی است نه اینکه اصل بر جنگ و جهاد و تهاجم بر علیه دیگران باشد. شعراوی از مفسران اهل سنت در پاسخ کسانی که اسلام را دین شمشیر می‌نامند، می‌فرماید: «اسلام برای جنگ دفاعی آمده است؛ اما دفاع از چه کسی؟ آیا از انسان مؤمن یا مطلق انسان؟ بر هر کسی که به مسلمانان تجاوز کند دفاع می‌کنیم» (شعراوی، تفسیر الشعراوی، ۱۹۹۱م: ۲/ ۸۴۰). شیخ محمود شلتوت نیز می‌نویسد: «مقاصد پیامبر صلح‌طلبی بوده است، ولی به علت خصومت و دشمنی لجوجانه کافران با مسلمانان وی چاره‌ای جز توسل به زور نداشت. پیغمبر تنها با کسانی می‌جنگید که با او می‌جنگیدند». (شلتوت، القرآن و القتال، ۱۹۴۸م: ۶۰). خداوند متعال می‌فرماید: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند، بی‌آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است». (حدید/۲۵)

طبق این آیه هدف خداوند از فرستادن پیامبران و فرو فرستادن کتاب و میزان، به‌پا داشتن عدالت و زندگی انسان‌ها در جامعه عدالت پیشه است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰ ق: ۱۹/ ۱۷۰). پس جهاد در اسلام، حتی جهاد ابتدایی، هدف اصلی نیست؛ بلکه برای آزادی انسان‌ها از ظلم و ستم، و نیز ایجاد عدالت اجتماعی و جهان‌بینی توحیدی است. بنابراین با توجه به اهدافی که برای جهاد تبیین شده است روشن می‌شود که جهاد به هر قسمی که باشد برای توسعه‌طلبی و بی‌رحمی نیست؛ بلکه تدافعی است.

ب: شاخصه‌های صلح‌طلبی در قرآن

صلح و آشتی در روح تمام آموزه‌های قرآن حاکم است، قرآن کریم به شکل‌های مختلف دعوت به صلح و آرامش می‌کند. گاهی خداوند در یک درخواست عمومی از همه می‌خواهد که به صفا و سلامتی بیندیشند، گاهی مؤمنان را دعوت به صلح و سازش و گاهی تمام ادیان را دعوت به زندگی مسالمت‌آمیز می‌کند، در اینجا به هار شاخصه مهم اشارت می‌رود:

یکم. دعوت قرآن به صلح و آشتی

یک. خداوند در یک پیام کلی همه را دعوت به صفا و سلامتی می‌کند و می‌فرماید: «و خداوند به سرای صلح و سلامتی دعوت می‌کند» (یونس/ ۲۵). این دعوت الهی به تمام انسان‌ها است تا منازعات را کنار گذاشته و به صفا و سلامت انسان و جامعه بیندیشند.

دو. در کتاب آسمانی مسلمانان پس از دعوت به صلح و آشتی خانوادگی با جمله کوتاه و پرمعنا روح حاکم بر انسان‌ها و جوامع را مشخص می‌کند و می‌فرماید: «و صلح بهتر است» (نساء/ ۱۲۸)؛ این جمله کوتاه اگرچه در مورد اختلافات خانوادگی است؛ اما یک قانون کلی، عمومی و همگانی را بیان می‌کند که در همه جا نخستین اصل میان انسان‌ها سازش و صلح با یکدیگر است نه جنگ و خشونت به همین جهت است که نزاع جز در موارد ضروری نباید در میان انسان‌ها باشد (ابن عطیه، المحرر الوجیز، ۱۴۲۲ ق: ۱۲۰/۲؛ مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ۱۳۷۳: ۴/ ۱۵۱).

سه. از طرف دیگر خداوند تمام مؤمنان را دعوت می‌کند تا همگی به سرای صلح و آشتی درآیند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی در صلح و آشتی درآید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شما است» (بقره/ ۲۰۸). مطرح کردن شیطان در این جمله به خاطر این است که گویا شیطان مخالف صلح و آشتی است و می‌خواهد بین مؤمنان و انسان‌ها کینه و دشمنی و نزاع ایجاد کند، برای رهایی از این گرفتاری و دام بهتر است از او و فرامین او که مخالف صلح و آشتی است دوری جویم. به همین جهت می‌توان گفت از اصول دین اسلام سازگاری و مسالمت میان مردم و ترک جنگ و قتال است (رشیدرضا، تفسیر القرآن الحکیم، ۱۹۹۹ م: ۲/ ۲۰۷).

اگر اساس اسلام دین جنگ و شمشیر است، در صورتی که دشمن در حالت ضعف باشد و تقاضای صلح کند، مسلمانان باید همچنان با آنها بجنگند و آنها را نابود کنند؛ اما پذیرش پیشنهاد صلح نیز از شاهکارهای سلوک جهادی در قرآن شمرده می‌شود. خداوند متعال درباره پذیرش پیشنهاد صلح می‌فرماید: «و اگر تمایل به صلح نشان دهند تو نیز از در صلح در آی و بر خدا توکل کن» (انفال/



۶۱). دشمنان اسلام اگر با تجاوز و جنگ برخورد کنند، در اینجا چاره‌ای جز جنگ با آنها نیست؛ اما از آنجاکه اسلام دین صلح و آرامش است، اگر دشمنان تمایل به صلح نشان دادند، خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که تو نیز از صلح استقبال کن و آن را بپذیر (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۸۵۳/۴). «حتی دشمن در جنگ، اگر از شما کناره‌گیری کرده و پیشنهاد صلح داد، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آنان شوید» (نساء/۹۰). امام علی (علیه السلام) نیز در گفتاری می‌فرماید: «هرگز صلحی را که از جانب دشمن پیشنهاد می‌شود و رضای خدا در آن است، رد مکن که در صلح برای سپاهت آسایش و تجدید نیرو و برای خودت آرامش از هم و غم‌ها و برای کشورت امنیت است» (مکارم شیرازی و همکاران، ترجمه و شرح نهج البلاغه، بی تا: ۱۶۱/۳).

دوم. همزیستی مسالمت‌آمیز با ادیان دیگر

از مهمترین آموزه‌های قرآن کریم، همزیستی مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان است، اسلام ادیان آسمانی دیگر را دعوت می‌کند که با وجود مشترکات عقیدتی و فکری می‌توانند به طور مشترک و مسالمت‌آمیز کنار هم زندگی کنند. خداوند می‌فرماید: «بگو: ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را غیر از خدای یگانه به خدایی نپذیرد» (آل عمران/ ۶۴). این پیام قرآن کریم به تمام اهل کتاب از جمله یهودیان و مسیحیان است که ملت‌های مختلف می‌توانند با وجود مشترکات به‌ویژه توحید در کنار هم زندگی خوبی بدون نزاع، کشمکش و جنگ داشته باشند.

سوم. قرآن کتاب رحمت

الف. در آغاز هر سوره قرآن با کلمه مقدس «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع می‌شود. «رحمن» و «رحیم» که از شعائر مسلمانان است تکرار شده است که به معنای گستردگی مهر الهی و بخشنده بودن خداوند است و این بارزترین علامت برای مهر آیین بودن دین اسلام است. خداوند متعال مسلمانان را موظف کرده است که در نمازهای پنج‌گانه در هر نماز دو بار سوره حمد را که دارای دو «رحمن» و «رحیم» است بر زبان جاری کنند. رحمت در بردارنده گذشت، بخشش، عطف است که در ذات دین اسلام نهفته است و این آموزه با صلح و سازش هماهنگی دارد نه خشونت‌آمیز بودن آن.

ب. آیات فراوانی بر گستره رحمت الاهی دلالت دارد که عبارتند از: «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (اعراف/ ۱۵۶)؛ «و رحمتم همه چیز را فرا گرفته»، «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا» (غافر/ ۷)؛ «ای پروردگار ما! رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته است». «كُتِبَ عَلَيَّ نَفْسِي الرِّحْمَةَ» (انعام/ ۲۱)؛

«خداوند) رحمت (و بخشش) را بر خود حتم کرده است»، «فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ» (انعام/ ۱۴۷)؛ «به آنها (که حقایق دین را نمی پذیرند) بگو: پروردگار شما رحمت گسترده ای دارد». آیات دیگر عبارتند از: انعام / ۵۴ و ۱۳۳ و... در دعا نیز وارد شده است: «یا من سبقت رحمته غضبه» «ای کسی که رحمتش بر غضبش پیشی گرفته است».

چهارم. پیامبر، رحمت برای جهانیان

آیاتی دلالت می کند که خلق و خوی محمدی ﷺ رحمت و مهر است و برای جهانیان نیز رحمتی دیگر: «به برکت رحمت الهی در برابر آنان (مردم) نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند» (آل عمران/ ۱۵۹). خداوند در آیه ای دیگر هدف از فرستادن پیامبر اسلام ﷺ را رحمت جهانیان می داند می فرماید: «ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم» (انبیاء/ ۱۰۷).

ج. مصادیق صلح طلبی در سیره پیامبر اسلام ﷺ

۱. حضور در مکه: حضور سیزده ساله مسلمانان در مکه، اذیت و آزارها و تنگناهایی که مشرکان و مخالفان اسلام برای مسلمانان پدید آوردند، اقتضا می کرد که مسلمانان در مقابل آنها ساکت نشینند و مقابله به مثل نکنند؛ اما نه تنها دست به مقابله به مثل نزدند؛ بلکه از طرف پیامبر ﷺ دعوت به صلح، عفو و گذشت می شدند، این خود نشان صلح جویی و سازش اسلام است، اگر اسلام دین خشونت می بود از همان آغاز باید مسلمانان را به رفتارهای خشونت آمیز یا حداقل دفاع در مقابل آزارها و اذیت ها امر می کرد.

۲. صلح حدیبیه: در سال ششم هجرت، رسول خدا ﷺ به همراه هزار و چهارصد نفر (ابن هشام، سیره النبی، ۱۳۸۳ ق: ۲/ ۳۰۹) از مهاجر و انصار به قصد سفر عمره از مدینه خارج و تا هزار و هشتصد نفر (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۹ ق: ۲/ ۴۸۸) شدند. آنان که هدفی جز عبادت پروردگار نداشتند، برای قربانی در راه خدا هفتاد شتر را با خود برده و برای زیارت خانه خدا و اعمال عمره در مکانی به نام «ذوالحلیفه» مُحَرَّم شدند (ابن هشام، سیره النبی، ۱۳۸۳ ق: ۲/ ۳۰۹).

قریش که از این حرکت آگاه شدند، خالد بن ولید را با دو یست سواره نظام برای موضع گرفتن در مقابل مسلمانان (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ ق: ۲۰/ ۳۳۰) و جلوگیری از ورود آنان به مکه فرستادند و بدین صورت مانع ورود آنان به مکه شدند، قریش جهت آگاهی از قصد پیامبر نمایندگان را فرستادند. قریش چهار نماینده را به نامهای: بُدیل، مُکْرَز، حُلَیس بن علقمه (رئیس تیراندازان عرب) و عروه بن مسعود ثقفی (که به عقل و درایت معروف بود) فرستادند (ر.ک: ابن هشام، سیره النبی، ۱۳۸۳ ق: ۲/



۳۰۹). فرستادگان همگی خبر دادند که محمد ﷺ جز زیارت خانه خدا قصدی ندارد، ولی قریش باز هم بر لجاجت و ممانعت خود اصرار داشتند. به همین جهت پیامبر نماینده‌ای از قبیله خزاعه را نزد مشرکان مکه و اشراف قریش فرستاد تا آنها را از این حقیقت آگاه کند؛ اما قریش به جای حقیقت‌جویی، شتر «خراش بن امیه» (نماینده پیامبر) را پی کردند و نزدیک بود او را بکشند و این نشان داد که آنها نمی‌خواهند از راه صلح و صفا وارد شوند و درصدد روشن کردن آتش جنگند، افزون بر آن پنجاه مأمور نیز فرستادند تا اموال مسلمانان را غارت و عده‌ای را اسیر کنند؛ اما همه آنها دستگیر شده و پیامبر بار دیگر جهت اثبات روحیه صلح‌طلبی همه را آزاد کرد. پیامبر بار دیگر عثمان بن عفان را برای مذاکره با قریش فرستاد و عثمان نیز پیام آن حضرت را به گوش مشرکان رساند؛ اما آنها از بازگشت عثمان به مدت سه شبانه‌روز جلوگیری کردند، از آمدن عثمان که خبری نشد، به پیامبر خبر رسید که عثمان را کشته‌اند. پیامبر نیز از مردم خواست تا با آن حضرت در برابر دشمنان برای پیکار کردن با آنها بیعت کنند. این بیعت که در سوره فتح آیات ۱۰ و ۱۸ بدان اشارت دارد به‌عنوان «بیعت رضوان» معروف شد که نقطه عطفی در تاریخ اسلام بود تا نیروهای اسلام منسجم و روحیه آنان تقویت و از نظر رزمی آمادگی پیدا کنند. مسلمانان با این که آماده جنگ با مشرکان شده و پیمان بسته بودند که در پیکار با مشرکان هیچ کوتاهی نکنند و هیچ کس پشت به میدان جهاد نکند؛ اما رسول خدا ﷺ تا آخرین لحظات تلاش نمود تا جنگ و نزاعی پیش نیاید و مسئله را با صلح خاتمه دهد. با تلاش‌های پیامبر اسلام سرانجام توافق شد که پیمان صلح بسته شود. و این نبود جز روحیه صلح‌طلبی اسلام، نکته مهم دیگر که نشان از روحیه صلح‌طلبی پیامبر و اسلام است یکی از مواد معاهده صلح حدیبیه بود، این ماده بیان کرد که جنگ میان طرفین تا ده سال ترک شود و مردم در این مدت بر جان و مال خود ایمن باشند (ابن هشام، سیره النبی، ۱۳۸۳ ق: ۲ / ۳۰۹-۳۱۷). این حاکی از روحیه صلح‌طلبی پیامبر است که نمی‌خواست خونی ریخته شود. و بر همین اساس تسلیم برخی از خواسته‌های نا صحیح نماینده قریش از جمله پاک کردن «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» و عبارت «رسول‌الله» و ... شد. این گذشت و مسالمت که رهبر بزرگ اسلام از خود در تنظیم این پیمان نشان داد در جهان بی‌سابقه و درس عبرتی برای تمام جهانیان است.

۳. فتح مکه: یکی از فرازهای تاریخ آموزنده اسلام که گویای صلح‌طلبی دین اسلام است، سرگذشت فتح مکه است در سال هشتم هجری یکی از بزرگترین حوادث تاریخی و آموزنده اسلام؛ یعنی فتح مکه رخ داد، فتح مکه از آثار ارزشمند صلح حدیبیه بود؛ چراکه مشرکان قریش با وجود

امضای معاهدات و پذیرش صلح حدیبیه به آن عمل نکردند و در مواد آن خیانت نمودند زیرا حدود دو سال از صلح حدیبیه می‌گذشت، قبیله خزاعه با رسول خدا ﷺ و قبیله کنانه نیز با قریش هم‌پیمان شدند. یکی از مواد معاهده این بود که مسلمانان و قریش می‌توانند با هر قبیله‌ای که خواستند پیمان برقرار کنند (ر.ک: واقدی، المغازی، بی‌تا: ۶۱۱/۱). تصمیم نیز بر این بود که جنگ مسلحانه بر علیه یکدیگر انجام ندهند؛ اما با کمال تأسف قبیله کنانه با تحریک قریش این پیمان را شکسته و با ساز و برگ نظامی به همراهی عده‌ای از سران قریش به جنگ مسلحانه پرداختند و بیست نفر از قبیله خزاعه را کشتند. قبیله خزاعه که با پیامبر هم‌پیمان شده بودند به پیامبر شکایت کرده و ماجرا را به وی گفتند. قریش نیز متوجه نقض پیمان خود شدند به همین جهت ابوسفیان را برای تمدید صلح حدیبیه نزد پیامبر فرستادند؛ اما پیامبر به وی هیچ پاسخی نداد. در هر صورت این مقدمه شد که پیامبر تصمیم بگیرد به مکه لشکر کشی نموده و به حاکمیت سیاسی شرک پایان دهد. پیامبر لشکری ده هزار نفری آماده کرد و رهسپار مکه شدند. شهر مکه با تدبیرهای دقیق زمامدار بزرگ اسلام بدون جنگ و خونریزی تسلیم لشکر اسلام شد تنها چند نفر که در برابر لشکر اسلام ایستادند و می‌خواستند مقابله کنند کشته، یا متواری شدند.

پیامبر ﷺ پس از ورود به شهر مکه به مسجد الحرام آمده و بت‌ها را شکستند و آیه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء/۸۱)؛ را تلاوت کردند. مردم مکه منتظر فرمان رسول خدا ﷺ بودند مردمی که سال‌ها پیامبر و مسلمانان را اذیت و آزار کرده، آنان را از شهر بیرون کرده و جنگ‌های بسیاری با آنان داشته همه در حالت اضطراب و نگرانی بودند که حضرت فرمود: «ماذا تقولون؟ و ماذا تظنون؟ چه می‌گویید و درباره من چگونه فکر می‌کنید و عقیده دارید که من با شما چه رفتاری انجام دهم؟ پاسخ دادند: تو برادر کریم و برادرزاده کریم ما هستی، طبق برخی نقل‌ها حضرت فرمود: من همان جمله‌ای که برادرم یوسف به برادران ستمگر خود گفت به شما می‌گویم: «لا تشریب علیکم الیوم یغفرالله لکم و هو ارحم الراحمین» (یوسف/۹۲)؛ «امروز بر شما ملامتی نیست خدا گناهان شما را می‌آمرزد و او ارحم الراحمین است». (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴ ق: ۲۱/۱۰۷ - ۱۳۲؛ واقدی، المغازی، بی‌تا: ۸۳۵/۲). سپس فرمود: «فاذهبوا و انتم الطلقاء» بروید که همه شما آزادید (ابن هشام، سیره النبی، ۱۳۸۳ ق: ۲/۴۱۲). این عفو عمومی جز از پیامبری که پیامبر صلح و سازش و یکتاپرستی و رحمت برای جهانیان است برخاسته نیست و اگر اسلام دین خشونت بود و فرماندهانی خشن و سرانی که اهل عداوت و کینه بودند می‌داشت با چنین موقعیتی که به دست آوردند به کشتن بسیاری حتی زنان و کودکان می‌پرداختند.



۳. محدودیت‌های احکام جهاد در قرآن

برخی محدودیت‌ها در احکام جهاد در قرآن هرگز به معنای تعارض آیات جهاد نیست. تأثیر عنصر زمان و مکان در احکام جهاد، ذهن ما را به سمت و سوی صلح‌گرایی در اسلام سوق می‌دهد. در ابتدا به عنصر زمان و نقش آن در صلح‌گرایی و سپس به عنصر مکان و نقش آن در صلح‌گرایی در باب جهاد اشاره خواهیم کرد. محدودیت‌های احکام در زمان‌ها و مکان‌های خاص و حرمت آن در برخی زمان‌ها و مکان‌ها و قیودات دیگر نشان می‌دهد که اسلام جنگ و جهاد را به هر بهانه و هر شکلی نمی‌پذیرد؛ بلکه اصل در اسلام صلح و زندگی مسالمت‌آمیز بدون قید است، ولی در مواقعی برای حفظ یک مملکت یا دین اسلام، جهاد ضروری می‌نماید. اکنون به برخی از موارد قیود زمانی و مکانی جنگ و جهاد اشاره می‌کنیم.

الف. حرمت قتال در ماه‌های حرام

با فرارسیدن ماه‌های حرام که شامل ذی‌القعده و ذی‌الحجه و محرم و رجب است، قتال و جنگ در این ماه‌ها حرام خواهد بود و این نوعی تمرین بر صلح است و آتش بس اجباری است که خداوند متعال همگان را به آن سفارش کرده است. این آیه از شاهکارهای قرآنی است که با توجه به شرایط زمانی عصر نزول، بر لزوم امنیت و آرامش جامعه صحه می‌گذارد. قرآن کریم در سوره بقره آیه دوست و هفدهم می‌فرماید: «يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ» (بقره/۲۱۷)؛ «از تو، در باره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می‌کنند؛ بگو: جنگ در آن (گناهی) بزرگ است» آیه، نخست درصدد پاسخگویی به پاره‌ای از سؤالات درباره جهاد و استثناهای آن است. خداوند متعال می‌فرماید: «يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ»؛ «از تو درباره جنگ کردن در ماه‌های حرام سؤال می‌کنند» سپس می‌افزاید: «به آنها بگو جنگ در آن (گناه) بزرگی است» (قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ). و به این ترتیب سنتی را که از زمان‌های قدیم و اعصار انبیای پیشین در میان عرب در مورد تحریم پیکار در ماه‌های حرام (رجب، ذی‌القعده، ذی‌الحجه و محرم) وجود داشته، با قاطعیت امضاء می‌کند (مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ۱۳۷۳: ۱۱۱/۲). پس در ماه‌های حرام، جنگ و جهاد ابتدایی حرام است و این قانون به زمان‌های قدیم بر می‌گردد. به اصطلاح فقها این حکم الاهی امضایی است، نه تأسیسی. در پاسخ به اینکه از چه زمانی در گذشته‌های دور، این حرمت قتال در ماه‌های خاص، جاری و ساری بوده است نکاتی می‌توان یافت. بعضی از مفسران، تحریم جنگ در این چهار ماه را از زمان «حضرت ابراهیم خلیل» می‌دانند که در عصر جاهلیت عرب نیز به‌عنوان یک سنت به قوت خود باقی بود، هر چند آنها طبق امیال و هوس‌های خود، گاهی جای این ماه‌ها را تغییر می‌دادند، ولی در اسلام همواره

ثابت و لایتغیر است که سه ماه آن پشت سر هم «ذی القعدة» و «ذی الحججه» و «محرم» و یک ماه جدا است و آن ماه «رجب» است و به قول عرب‌ها سه ماه «سرد» (یعنی پشت سرهم) و یک ماه «فرد» است (مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ۱۳۷۳: ۴۰۶/۷).

یکی از مصادیق ماه‌های حرام، ماه ذی‌الحججه است. ماه ذی‌الحججه زمان برگزاری مراسم حج است. همان حجی که ریشه در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام دارد. در اهمیت برگزاری مراسم حج در تفسیر «التحریر والتنویر» چنین آمده است: این آیه دلیل بر حرمت قتال در ماه‌های حرام است و قرار گذاشتن بر حرام بودن جنگ است. از زمان‌های قدیم چه بسا از زمان ابراهیم علیه السلام چنین حرمتی رواج داشته است. این چهار ماه، زمان برگزاری حج و عمره و مقدمات و پایان یافتن آن است. پس اگر قتال در این چهار ماه حرام نبود، حج و عمره رو به تعطیلی می‌رفت (ابن عاشور، التحریر والتنویر، ۱۴۲۰ ق: ۲/۳۰۹). این سه ماهی که پشت سرهم آمده است و امنیت برپایی حج ابراهیمی را تضمین می‌کند به منزله آتش‌بسی است که از جانب پروردگار متعال برای بندگانش به ارمغان آورده شده است و زمینه صلح و زندگی بدون جنگ و درگیری را فراهم می‌آورد.

ب. زمان استجاره (پناهندگی)

یکی از مصادیق صلح‌پذیری اسلامی این است که اگر مخالفی تقاضای استجاره و پناهندگی کرد، اسلام دستور داده است که وی را پناه دهند. خداوند متعال فرموده است: «وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه/۶)؛ «و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)؛ سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند!». یکی از مهم‌ترین وظایف مسلمانان، رساندن پیام فطرت دینی به گوش انسان‌هاست. این دعوت به ندای توحید دارای گستره زمانی وسیعی است. قبل از آغاز جنگ، دعوت به یکتا پرستی و اسلام و تسلیم در برابر پروردگار متعال جریان پیدا می‌کند و همچنان ادامه دارد و محدود به هیچ قید و شرطی نیست. دین مبین اسلام حتی در میدان مبارزه نیز این مهم (هدایت انسان‌ها) را رها نکرده و پا به پای مدعوین به آئین الهی حرکت می‌کند و هیچ چیز حتی مقطع زمانی خاص جنگ و درگیری، از درخواست دشمن، برای بررسی دعوت الهی به دین اسلام، استقبال می‌کند. جنگ و حین حضور در معرکه هم نمی‌تواند مانع دعوت حقه باشد (مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ۱۳۷۳: ۲۹۳/۷، طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰ ق: ۱۵۳/۹). حال اگر حتی بعد از آغاز شدن درگیری، کسی از لشکر کفار ادعا کرد که پیام اسلام را نشنیده و تقاضای مهلت و امنیت کرد تا پیام دعوت اسلام را بشنود، بر مسلمانان واجب است او را پناه دهند و او را به



پناهگاهش برگردانند. حفظ جان او در این پاره زمانی بر مجاهد واجب است و وظیفه دارد پناهنده را به مأمن و مأوایش باز گرداند، چه بسا، با تابش ایمان بر قلبش به آئین محمدی مشرف شود. پناه دادن در حین درگیری و جنگ را می‌توان نوعی «صلح اختصاصی» نامید که همچون جزیره‌ای امن در دل آتش جنگ رُخ‌نمایی می‌کند. پرسشی مطرح می‌شود که آیا این حکم، از اختصاصات زمان پیامبر ﷺ است و یا قابل تسری به اوقات دیگر نیز هست؟ در پاسخ می‌گوییم این آیه، برای زمانی دون زمانی نیست؛ بلکه حکمش باقی است و قابل جریان در اعصار دیگر نیز هست. در کتب تفسیری متعددی بر تأیید این مطلب، شواهدی یافت می‌شود (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۹ ق: ۱۳/۵؛ ثعلبی، الکشف و البیان، ۱۴۲۲ ق: ۱۳/۵؛ زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۱۴۸/۲-۲۴۹؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۹ ق: ۱۳/۲).

این تفاسیر بر استمرار این حکم تا روز قیامت تأکید کرده‌اند. هرچند بعضی خواسته‌اند حکم استجاره را منسوخ معرفی کنند (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲ ق: ۵۸/۱۰؛ رشیدرضا، المنار، ۱۴۱۴ ق: ۱۷۸/۱۰)؛ ولی باید گفت چنین حکمی قابل نسخ نیست؛ زیرا مهلت دادن به مخالفان اسلام برای کشف حق و حقیقت از اصول مسلم دین مبین اسلام است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰ ق: ۱۵۵/۹). البته مجاهدان باید مواظب افراد نفوذی از سپاه دشمن باشند که با رخنه در لشکر مسلمانان، قصد دسترسی به آمار و چند و چون نفرات و امکانات و سایر اطلاعات نیروهای خودی را دارند تا از این اطلاعات بر علیه مسلمانان استفاده کنند.

ج. زمان پرداخت جزیه

خداوند متعال در سوره توبه آیه بیست و نهم می‌فرماید:

﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ (توبه/۲۹)؛ «با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می‌شمرند، و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند!»

جزیه عبارتی شرعی است از حقی مخصوص که از اهل کتاب گرفته می‌شود تا بر دین خود بمانند، به این معنا که هنگامی که آن را پرداختند، کفایت می‌کند؛ زیرا مؤمنین به آنها اجازه داده‌اند چنین چیزی را برای آنها از طرفشان بپردازند تا خونشان محفوظ باشد و این مطلب از این جمله گرفته شده است «این چیز از فلانی جایز است» یعنی کفایت می‌کند (فاضل مقداد، کنزالعرفان فی فقه القرآن، ۱: ۲۵۵/۱۳۷۳). پس طبق این توضیح، جزیه به معنای اکتفاء مؤمنین به دریافت آن مال است به جای

محرابه با اهل کتاب، به این معنا که قانون اولیه در مورد اهل کتاب، وادار کردن آنها به پذیرش دین اسلام بود، ولی با آمدن قانون پرداخت جزیه، مؤمنان به این پرداخت اهل کتاب، اکتفاء کردند. در باره تاریخ اجرای این قانون الهی در بعضی از تفاسیر چنین آمده است: مجاهد گفت: این آیت آنکه آمد که رسول را فرمودند: به غزات روم رو. رسول ﷺ بعد نزول این آیت به غزات تبوک شد. کلبی گفت: در بنی قریظه و بنی النضیر آمد است. رسول ﷺ به قتال ایشان رفت، ایشان مصالحه کردند و آن اول جزیتی بود در اسلام و اول ذلی بود که به اهل کتاب رسید (ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸ ق: ۲۱۴/۹؛ ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ۱۴۲۲ ق: ۲۱/۳).

پرسشی که مطرح می شود اینکه چرا این حکم جزیه اختصاص به اهل کتاب دارد؟ و قابل سرایت به لائیکها و بت پرستان نیست؟ در پاسخ می توان گفت: اهل کتاب همچون یهودیان و مسیحیان دارای پیامبر و کتاب آسمانی و دستورات شرعی اند که طبق آئین خودشان موظف به انجام واجبات و ترک محرّماتی هستند و اتصال آنها به پروردگار متعال به طور کلی قطع نشده است. در زمان پرداخت جزیه، صلح گرایی موج می زند و به همین دلیل خداوند مهربان به آنها تخفیف داده است، چه بسا در سایه این جزیه حق را بشناسند و به دین مبین اسلام مشرف شوند. در این باره در بعضی کتب تفسیری چنین می خوانیم: جزیه از اهل کتاب پذیرفته شده است (و از بت پرستان و لائیکها پذیرفتنی نیست)؛ زیرا آنان به خاطر نبوتی که در گذشته درک کرده اند، به حق نزدیکترند (نیشابوری، ایجاز البیان عن معانی القرآن، ۱۴۱۵ ق: ۱/۳۷۶).

د. تأثیر معاهدات در حکم جهاد

آیات متعددی از قرآن کریم به معاهدات اشاره کرده است که معنای صلح گرایی در اسلام را یادآور می شود. بر اساس آیه چهارم سوره مبارکه توبه، ارزش عمل به معاهدات و اهتمام به قراردادهای منعقدہ بین مسلمانان و مشرکان استفاده می شود. با مراجعه به کتب تفسیری، نقش زمان در حکم جهاد، با توجه به قراردادهای بسته شده آشکارتر می شود. در «مجمع البیان» درباره آیه فوق از قول فرّاء چنین می خوانیم: مشرکان در آیه، اشاره به طایفه ای از بنی کنانه و بنی ضمیره دارد که هنوز از عهد و پیمان و قراردادهای آن ماه مانده بود. خدای تعالی به مسلمانان امر می کند بر عهدشان پایبند باشند؛ زیرا دشمنان نقض پیمان نکرده اند. در ادامه مطلب از قول ابن عباس چنین می نگارد: مراد آیه هر کسی است که بین او و پیامبر ﷺ عهد و پیمانی قبل از نزول سوره برائت بوده است (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۹ ق: ۹/۵). باید گفت پایبندی به قرارداد با دشمنان اسلام آنقدر مهم است که مشمول آیه امر به جهاد و قتال نمی شود و بر مسلمانان لازم است به عهد و پیمانشان با معاندان پایبند باشند. و اینجاست که وسعت دایره صلح در اسلام، رُخ می نماید.



در تفسیر «المنار» درباره آیه شریفه چنین می‌خوانیم: این آیه بر وفای به عهد هنگامی که قراردادی بسته شد به‌عنوان یکی از واجبات اسلام دلالت دارد و همچنین پیمانی که دارای زمان است جایز نیست شکستن آن پیمان مگر پس از پایان یافتن زمانش و همانا شرط وجوب وفاء به عهد بر ما نیز واجب است نسبت به دشمنی که به پیمانش پایبند است؛ زیرا نصّ سخن خدای متعال و معنایش و لحنش و روحش شامل زمانه و عصر ما نیز می‌شود (رشیدرضا، تفسیر القرآن الحکیم المشهور بتفسیر المنار، ۱۹۹۹ م: ۱۵۳/۱۰). بنا بر آنچه گذشت التزام به قراردادها و معاهدات بین مسلمانان و سایر طوایف و کشورها امری ضروری است و تخلف از آن جایز نیست و جهاد و قتال با آنان ممنوعه است تا زمانی که مدّت و زمان معاهده و تفاهم‌نامه پایان یابد و این قاعده به‌طریق اولی شامل قراردادهای بین‌المللی می‌شود که از اعتبار و ارزش بیشتری برخوردار است.

هـ. حُرْمَت قِتَال نَزْد «مَسْجِد الحَرَام»

یکی از مکان‌هایی که جهاد در آن حرام است، مسجد الحرام یا حرم مکه است. خداوند متعال در سوره بقره آیه ۱۹۱ می‌فرماید: «و آنها را [بت‌پرستانی که از هیچ‌گونه جنایتی ابا ندارند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید! و از آن جا که شما را بیرون ساختند [مکه]، آنها را بیرون کنید! و فتنه (و بت‌پرستی) از کشتار هم بدتر است! و با آنها، در نزد مسجد الحرام (در منطقه حرم)، جنگ نکنید! مگر اینکه در آن جا با شما بجنگند. پس اگر (در آنجا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید! چنین است جزای کافران!» (بقره/۱۹۱؛ ر.ک: صادقی، الفرقان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۶ ق: ۳/۱۰۱). همین نکته ادبی زمینه‌ساز تفاسیر گوناگونی است که موجب توسعه معنا در عبارت «مسجد الحرام» در آیه شریفه شده است. بنا بر تفاسیر متعدّدی، منظور از مسجد الحرام در این آیه شریفه، تمام سرزمین حرم معرّفی شده است، که همان «بلد الحرام» است (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۹ ق: ۲/۵۱۱؛ کاشانی، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ۱۳۴۴: ۱/۴۱۴؛ طبرانی، التفسیر الکبیر، ۲۰۰۸ م: ۱/۳۳۰؛ ابن‌ابی‌حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۹ ق: ۱/۳۲۶). آن منطقه است که موجب التزام به مسائلی بر شخص مُحْرَم (کسی که برای حج یا عمره احرام بسته است) می‌شود. شخص مُحْرَم باید بر آن احکام پای‌بند باشد و تخلف از آن دارای پیامدهای شرعی است. پس قتال در حرم مکه، همانا حُرْمَت آن بین فقها معروف است چون نه قرآنی در باره آن وارد شده است (بقره/۱۹۱؛ مکی، جهاد الامه، ۱۴۱۶ ق: ۴۵۰). می‌توان گفت حرم مکه همان شهر مکه است که مسجد الحرام را در بر گرفته است (خزائلی، احکام قرآن، ۱۳۵۳: ۵۲۹). حدود حرم امن الاهی: پس باید حدود مسجد الحرام را بسیار گسترده‌تر از یک مسجد ببینیم. حدود حرم از شهر مکه، دوازده میل از هر طرف است (راوندی، فقه القرآن راوندی، ۱۴۰۴ ق: ۲۶۵؛ ابن‌منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ ق: ۱۱/۶۳۸).

و. حراست مکانی از مرزهای کشور اسلامی (نغور)

خداوند متعال در سوره آل عمران می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها) استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید!» (آل عمران/۲۰۰). با توجه به آیه شریفه، «مربطه» معنی وسیعی دارد که هر گونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه اسلامی را شامل می‌شود. در فقه اسلامی نیز در باب جهاد، بحثی تحت عنوان «مربطه»؛ یعنی آمادگی برای حفظ مرزها در برابر هجوم احتمالی دشمن دیده می‌شود که احکام خاصی برای آن بیان شده است (مکارم و همکاران، تفسیر نمونه، ۱۳۷۳: ۳/۲۳۳). ریشه رباط، بستن اسبان است به خاطر دشمن. ربط به معنای بستن است و از همین معنی است دلش را به خدا بست با صبر. سپس استعمال شده در هر کسی که در مرز اقامت کرده و از کسانی که پشت سر اویند در مقابل بدخواهان دفاع می‌کند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۳/۹۵).

راوندی در این باره چنین می‌نگارد: مربوطه نوعی از جهاد است و آن وقف کردن اسب است برای جهاد در راه خدا تا مجاهدان سوارش شوند و مجاهدان را یاری کند، با انواع یاری رساندن، امروزه مربوطه نمی‌شود، مگر برای دفاع از اسلام و جان و این مستحب است و حدّش از سه تا چهل روز است و اگر از چهل روز گذشت (مربطه) تبدیل به جهاد می‌شود (راوندی، فقه القرآن راوندی، ۱۴۰۴ ق: ۱/۳۳۲). وقتی کشور اسلامی دارای مرزهایی محکم و استوار باشد و چشمان بیدار و مرزبان‌های هوشیار باشد، صلح و آرامش و امنیت را برای کشور اسلامی به ارمغان می‌آورد؛ زیرا دشمن را از حمله به مملکت اسلامی باز می‌دارد. قدرت بازدارندگی دشمن از حمله به کشور اسلامی، امتیازی است که در مرزهای مملکت اسلامی رقم می‌خورد و صلح‌گرایی در اسلام را جانی دوباره می‌بخشد.



نتیجه‌گیری

۱. دیدگاه‌های مستشرقان را می‌توان بر اساس جهت‌گیری متعدد اعضایشان به دسته‌های متعددی

تقسیم‌بندی کرد:

ردیف	مستشرقان	دیدگاه
۱	گلدزیهر، فایرستون، دیوید کوک، بلاشر، رودنسون، بوپرت بین و پاپ بندیکت شانزدهم	بیشتر آنان مسئله جهاد را با رویکرد تاریخی آن چه اتفاق افتاده است و با جنگ‌هایی که واقع شده است تحلیل کرده‌اند و به دیدگاه واقعی اسلام یا جایگاه صلح یا تحلیل آیات و قوانین مربوط به جهاد توجه نکرده‌اند.
۲	فایرستون، رودنسون، ویلیام مویر، لورانس براوان، جان اسپوزیتو، الالاندا تاسرون، ماسینیون، و توماس آرنولد	بسیاری از آنان تنها در اسلام جهاد را برجسته کرده‌اند به ابعاد دیگر اسلام و قوانین قرآن را توجه نداشته‌اند. و یک‌جانبه‌گرایانه به موضوع جهاد پرداخته‌اند و تحلیلی ندارند.
۳	گلدزیهر، لورانس براوان، بوپرت بین، توماس آرنولد و پاپ بندیکت شانزدهم	رویکرد دیگری که یکی از اهداف مستشرقان است. اسلام‌ستیزی است، دین اسلام را دینی همراه با خشونت و خونریزی و کشتن انسان‌ها معرفی کرده‌اند تا مردم دنیا و دیگر ادیان به ویژه یهودیت و مسیحیت از اسلام دوری کنند.

۲. شبهه «خشونت طلبی» توسط مستشرقان ادعا شده است را می‌توان با «صلح طلبی» که یک اصل در منابع اصیل اسلامی است، پاسخ می‌گوییم، معنایش این است که صلح، ریشه در اعتقادات مسلمانان دارد و از زوایای مختلف می‌توان به آن پرداخت که با توجه به آیات فراوان قرآن کریم، موارد آن عبارتند از: اول، مقاصد دین اسلام بر پایه صلح و امنیت بنا شده و قرآن کریم همگان را به زندگی صلح آمیز و زندگی مسالمت‌آمیز با ادیان دیگر دعوت کرده است و مهر و خلق و خوی محمدی دلیلی واضح بر این سخن است. دوم، نمونه‌های تاریخی و شواهد میدانی همچون حضور سیزده ساله مسلمانان در مکه و ماجرای صلح حدیبیه و واقعه فتح مکه، خشونت‌گریزی مسلمانان را تصدیق می‌کند. سوم، محدودیت‌هایی که در قالب احکام جهاد رخ می‌نماید، دارای ابعاد متعددی است که حکایت از صلح‌مداری احکام جهاد دارد که به این شرح گزارش می‌شود. الف. حرمت قتال در ماه‌های حرام و مسجدالحرام نوعی آتش‌بس اجباری است. ب. اعطای پناهندگی به دشمن حتی در میدان جنگ، صلح خصوصی را جایز می‌شمارد. ج. پایبندی به معاهدات صلح و شرایطی همچون دریافت جزیه، از راه‌های دیگر زندگی مسالمت‌آمیز است. د. وجوب حراست از مرزهای اسلامی، دارای قدرت بازدارندگی است و دشمنان را از خیال حمله به مسلمانان باز می‌دارد و این نوعی پیشگیری از جنگ و ایجاد زمینه صلح است.



منابع

١. قرآن كريم، ترجمه: ناصر مكارم شيرازي، دارالقرآن الكريم، قم: چاپ دوم، ١٣٧٣ ش.
٢. ابن ابى حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسير القرآن العظيم، مكتبة نزار مصطفى الباز، رياض: ١٤١٩ ق.
٣. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير، مؤسسه التاريخ العربى، بيروت: ١٤٢٠ ق.
٤. ابن عطية، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، دار الكتب العلميه، بيروت: ١٤٢٢ ق.
٥. ابن منظور، محمد ابن مكرم، لسان العرب، دار صادر، بيروت: چاپ سوم، ١٤١٤ ق.
٦. ابن هشام، محمد بن اسحاق، سيرة النبى، مكتبة محمد على صبيح، بيروت: ١٣٨٣ ق.
٧. ابوالفتح رازي، حسين بن على، روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن، آستان قدس رضوى، مشهد: ١٤٠٨ ق.
٨. ثعلبى، احمد بن محمد، الكشف و البيان، دار احياء التراث العربى، بيروت: ١٤٢٢ ق.
٩. حميرى، نشوان بن سعيد، شمس العلوم، دارالفكر، دمشق: ١٤٢٠ ق.
١٠. خدورى، مجيد، جنگ و صلح در قانون اسلام، انتشارات اطلاعات، تهران: ١٣٨٨.
١١. خزائلى، محمد، احكام قرآن، سازمان چاپ و انتشارات جاويدان، قم: ١٣٥٣.
١٢. دروزه، محمدعزّه، سيرة الرسول صور مقتبسة من القرآن الكريم و تحليلات و دراسات قرآنيه، چاپخانه عيسى البابى الحلبى و شركاء، بيروت: چاپ دوم، ١٣٨٤ ق.
١٣. راوندى، قطب الدين، سعيد بن عبدالله، فقه القرآن، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، قم: ١٤٠٤ ق.
١٤. رشيدرضا، محمد، تفسير القرآن الحكيم (المنار)، دارالكتب العلميه، بيروت: ١٩٩٩ م.
١٥. زمانى، محمدحسن، مستشرقان و قرآن: نقد و بررسى آراء مستشرقان درباره قرآن، بوستان كتاب، قم: ١٣٨٩.
١٦. زمخشرى، محمود بن عمر، الكشاف عن غوامض التنزيل و عيون الاقاويل فى وجوه التأويل، دارالكتاب العربى، بيروت: ١٤٠٧ ق.
١٧. زهرالدين، صالح، الاسلام و الاستشراق، دارالندوة، لبنان، ١٤١٣.



۱۸. سعید، ادوارد، شرق شناسی، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۷۷.
۱۹. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده، زیر نظر مکارم شیرازی، ناصر، به قلم محمد جعفر امامی، محمدرضا آشتیانی، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم: ۱۳۷۷-۱۳۷۸.
۲۰. شعراوی، محمد متولی، تفسیر الشعراوی، اخبار الیوم اداره الکتب و المكتبات، بیروت: ۱۹۹۱ م.
۲۱. شلتوت، محمود، القرآن و القتال، مجمع البحوث الاسلامیه، مصر: ۱۹۴۸ م.
۲۲. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، فرهنگ اسلامی، قم: ۱۴۰۶ ق.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی، بیروت: ۱۳۹۰ ق.
۲۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، دارالکتب الثقافی، اردن: ۲۰۰۸ م.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۳۷۹ ق.
۲۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، سروش، تهران: ۱۳۷۶.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۲۸. طیاره، عقیف عبدالفتاح، روح الدین الاسلامی، طریق لبحدیده، بیروت: ۱۹۶۶ م.
۲۹. عبدالحلیم محمود، علی، التریبه الجهادیه، بی جا: ۱۴۲۴ ق.
۳۰. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، مرتضوی، تهران: ۱۳۷۳.
۳۱. قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۶.
۳۲. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، انتشارات اسلامی، تهران: ۱۳۶۹.
۳۳. کاشانی، ملا فتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتاب فروشی اسلامی، تهران: ۱۳۴۴.
۳۴. گلدزیهر، ایگناتس، العقیده و الشریعة فی الاسلام، دارالرائد العربی، بیروت: ۱۹۴۶ م.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت: ۱۴۰۴ ق.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۳.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، آیین رحمت، مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم: ۱۳۸۵.
۳۸. مکی، حسن، جهاد الامه، دار العلم للملایین، بیروت: ۱۴۱۶ ق.
۳۹. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، ایجاز البیان عن معانی القرآن، دار الغرب الاسلامی، بیروت: ۱۴۱۵ ق.
۴۰. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، اعلمی، بیروت: بی تا.



Resources

1. *The Holy Quran*, Translated by Nasir Makarem Shirazi, Dar al-Quran al-Karim, Qom: 2nd Edition, 1994.
2. Abd al-Halim Mahmud, Ali, *al-Tarbiyyah al-Jihadiyah*, N.p.: 1424 AH.
3. Abul Futuh Razi, Hossein bin Ali, *Rawz al-Jinan and Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Quran*, Astan Quds Razavi, Mashhad: 1408 AH.
4. Dorozah, Muhammad I'zzah, *Sirah al-Rasul, Quoted from the Holy Quran and Quranic Analyzes and Studies*, Isa al-Babi al-Halabi and Associates Printing House, Beirut: 2nd Edition, 1384 AH.
5. Fazil Miqdad, Miqdad bin Abdullah, *Kanz al-Irfan fi Fiqh al-Quran*, Murtazavi, Tehran: 1994.
6. Goldziher, Ignatius, *Al-Aqeedah and Shari'ah in Islam*, Dar al-Raed al-Arabi, Beirut: 1946.
7. Hamyari, Nashwan bin Sa'eed, *Shams al-Uloom*, Dar al-Fikr, Damascus: 1420 AH.
8. Ibn Abi Hatim, Abd al-Rahman bin Muhammad, *Tafsir al-Quran al-Azeem*, School of Nazzar Mustafa al-Baz, Riyadh: 1419 AH.
9. Ibn Ashur, Muhammad bin Tahir, *Al-Tahrir and al-Tanwir*, Al-Tarikh Al-Arabi Institute, Beirut: 1420 AH.
10. Ibn Atiyyah, Abdul Haq bin Ghalib, *Al-Murrar al-Awjiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz*, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1422 AH.
11. Ibn Hisham, Muhammad bin Ishaq, *Sirah al-Nabi*, Maktabah Muhammad Ali Sabih, Beirut: 1383 AH.
12. Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram, *Lisan al-Arab*, Dar Sadir, Beirut: 3rd Edition, 1414 AH.
13. Kashani, Mulla Fethullah, *Manhaj al-Sadiqin fi Ilzam al-Mukhalifiin*, Islamic Bookstore, Tehran: 1965.



14. Khaduri, Majid, *War and Peace in Islamic Law*, Ittila'at Publications, Tehran: 2009.
15. Khaza'eli, Muhammad, *The Rules of the Quran*, Javidan Printing and Publishing Organization, Qom: 1974.
16. Majlisi, Muhammad Baqir, *Bihar al-Anwar (The Oceans of Lights)*, Al-Wafa Institute, Beirut: 1404 AH.
17. Makarem Shirazi, Nasir et al., *Tafsir Nemooneh (The Ideal Exegesis)*, Imam Ali Ibn Abi Talib (AS) Seminary School, Qom: 2006.
18. Makarem Shirazi, Nasser et al., *Tafsir al-Islamiyyah*, Dar al-Kitab al-Islamiyyah, Tehran: 1373.
19. Makki, Hassan, *Jihad al-Ummah*, Dar El Ilm Lilmalayin, Beirut: 1416 AH.
20. Neyshaburi, Mahmoud bin Abulhasan, *Ijaz al-Bayan an Ma'ni al-Quran (Abridged Explanation of Meanings of Quran)*, Dar al-Gharb al-Islami, Beirut: 1415 AH.
21. Qomi, Sheikh Abbas, *Mafatih al-Jinan*, Islamic Publications, Tehran: 1990.
22. Qurashi Bonabi, Ali Akbar, *Quran Dictionary*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 1997.
23. Rashidreza, Muhammad, *Tafsir al-Quran al-Hakim (Al-Manar)*, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1999.
24. Ravandi, Qutbuddin, Sa'eed bin Abdullah, *Fiqh al-Quran*, Ayatollah Mara'shi Najafi Library Publications, Qom: 1404 AH.
25. Sa'eed, Edward, *Orientalism*, Translated by Abdur Rahim Gawahi, Islamic Culture Publishing House, Tehran: 1998.
26. Sadiqi-Tehrani, Muhammad, *Al-Furqan fi Tafsir al-Quran*, Islamic Culture, Qom: 1406 AH.
27. Sha'arawi, Muhammad Mutawalli, *Tafsir al-Sha'arawi*, Akhbar al-Yawm Department of Books and Libraries, Beirut: 1991.
28. Shaltut, Mahmoud, *Al-Quran and al-Qital (Quran and Combat)*, Majma' al-Buhuth al-Islamiyyah, Egypt: 1948.



29. Sharif Razi, Muhammad bin Hossein, *Nahj al-Balaghah with a Clear Translation and a Compact Commentary*, Under the Supervision of Makarem Shirazi; Written by Muhammad J'afar Imami, Muhammad Reza Ashtiani, Imam Ali Bin Abi Talib (A.S.) Seminary School, Qom: 1998-1999.
30. Tabarani, Suleiman bin Ahmad, *Al-Tafseer al-Kabir: Tafsir al-Quran al-Azeem (Al-Tabarani)*, Dar al-Kitab al-Thaqafi, Jordan: 2008.
31. Tabari, Muhammad bin Jarir, *Tarikh al-Tabari*, Soroush, Tehran: 1997.
32. Tabarsi, Fazl bin Hassan, *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1379 AH.
33. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Al-A'lami Institute, Beirut: 1390 AH.
34. Tayyarah, Afif Abdul Fattah, *Ruh al-Din al-Islami*, Tariq Labhadidah, Beirut: 1966.
35. Tha'alibi, Ahmad bin Muhammad, *Al-Kashf wa al-Bayan*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1422 AH.
36. Tusi, Muhammad bin Hassan, *al-Tibyan fi Tafsir al-Quran*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: n.d.
37. Waqidi, Muhammad bin Omar, *Al-Maghazi*, A'lami, Beirut: n.d.
38. Zahr al-Din Salih, *Islam and Orientalism*, Dar al-Nadwah, Lebanon, 1413.
39. Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, *Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamidh al-Tanzil wa Uyun al-Aqaweel fi Wujuh al-Ta'wil (Discovering the Realities of the Ambiguity of the Revelation and the Origins of the Narrations Concerning Aspects of Hermeneutics)*, Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: 1407 AH.